



محافظه کاری و تصدی حسابرس

محمدحسین ستایش *

رضا تقی زاده **

می شود. از سوی دیگر، مقامات قانونگذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرس، اعتماد استفاده کنندگان به صورت های مالی و نه فقط صورت های مالی شرکت های تغییر دهنده حسابرس، را کاهش دهد (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). بررسی پدیده تغییر حسابرس و دلایل آن، همچنین ارتباط آن با محافظه کاری از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش، ابتدا به بررسی موضوع تغییر

تهدید به خاتمه کار با حسابرس، وی را مجبور به پذیرش رویه های حسابداری کند. در صورتی که مدیریت در انجام این کار موفق نشود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرس را برکنار کرده و حسابرس انعطاف پذیرتری جستجو کند. از این رو، در سال های اخیر، انتقادهایی مبنی بر این وجود دارد که افزایش تغییر حسابرس به توانایی حسابرس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت های مالی صدمه می زند. این انتقادها بر این اساس است که تغییر حسابرس باعث کاهش استقلال حسابرس و صاحبکار و در نتیجه، بی اعتبار شدن صورت های مالی

مقدمه

حسابرس مستقل از طریق اعتباردهی به صورت های مالی منتشر شده برای عموم، عملیات کارای بازارهای سرمایه را تسهیل می کند. اما افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری و حسابداری، امکان تضاد بین حسابرسان و صاحبکاران را افزایش می دهد و اغلب ممکن است به کشانده شدن فرایند حسابرسی به چانه زنی بین دو گروه یاد شده بینجامد. با توجه به اینکه در زمینه حسابرسی، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران است، در صورت وجود مجادله بین حسابرس و صاحبکار، مدیریت ممکن است از طریق



می‌دانند. محافظه‌کاری به عنوان کم‌نمایی پیوسته ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آن‌ها نیز تعریف شده است.

واتس (۲۰۰۲) بیان می‌کند محافظه‌کاری ابزاری برای روبرو شدن با مسائل و خطرات اخلاقی ناشی از حضور و مشارکت ذی‌نفعان مختلف در واحد تجاری. ذی‌نفعانی است که هر یک، اطلاعات، بازده، مطلوبیت‌ها و تعهدات متفاوتی با سایرین دارند. او با مدنظر قرار دادن تئوری نمایندگی ابراز می‌دارد، محافظه‌کاری ابزاری است که می‌تواند باعث کارتر شدن سازماندهی واحد تجاری شده و قراردادهای منعقد پیرامون آن را به‌دنبال داشته باشد.

به رغم عدم وجود تعریفی جامع از محافظه‌کاری، در ادبیات حسابداری، دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، وجود جانب‌داری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آن که توسط فلتهم^۷ و اهلسون^۸ در سال ۱۹۹۵ میلادی عنوان شده است. دوم، تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن سودها که توسط باسو در سال ۱۹۹۷ میلادی عنوان شده است.

جانب‌داری در ارائه کمتر ارزش دفتری نسبت به ارزش بازار سهام معرف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه‌ای است و معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) نیز برگرفته از همین تعریف است که بر پایه مبانی منطقی و ساده‌ای بنا شده است و در ادبیات حسابداری از سطح پذیرش قابل‌قبولی برخوردار شده‌است. اما تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها معرف محافظه‌کاری از دیدگاه سودوزیانی است و بر همین اساس باسو در سال ۱۹۹۷ میلادی معیار عدم‌تقارن زمانی سود را معرفی نمود.

عمل آمده است. بلیس (۱۹۲۴) معتقد است محافظه‌کاری یعنی شناسایی تمام زیان‌های بالقوه و عدم شناسایی سودهای محتمل (نقل از لی^۲، ۲۰۱۰). از نظر اسمیت^۳ و اسکوسن^۴ (۱۹۸۷) محافظه‌کاری، انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان است که در نهایت به ارائه کمتر دارایی‌ها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. محافظه‌کاری از دیدگاه باسو^۵ (۱۹۹۷) «استفاده از درجات بالاتر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت سودها و اخبار خوشایند (افزایش ارزش‌ها)» است و در مقابل، استفاده از درجات پایین‌تر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت زیان‌ها و اخبار ناخوشایند (کاهش ارزش‌ها)» است. ولک و همکاران^۶ (۲۰۰۱) محافظه‌کاری را تمایل حسابداران به شناسایی همراه با تأخیر سودها و ارزشیابی هرچه کمتر دارایی‌ها

حسابرس، سپس به دلایل تغییر حسابرس و هزینه‌هایی پرداخته می‌شود، که برای حسابرس و صاحبکار دارد، بعد از آن، موضوع محافظه‌کاری و سرانجام ارتباط این دو را بررسی می‌شود.

در حسابداری، محافظه‌کاری، از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر به واسطه رسوایی مالی مشاهده شده نظیر شرکت‌های انرون و ورلدکام بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. درحالی که اکثر حسابداران، وجود محافظه‌کاری را قبول دارند ولی تاکنون تعریف روشنی از آن ارائه نشده و هنوز ابهاماتی در این زمینه باقی است.

محافظه‌کاری در گزارشگری مالی

محافظه‌کاری از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است که از مدت‌ها قبل با تئوری و عمل حسابداری درآمیخته است. به نظر واتس^۱ (۲۰۰۳)، محافظه‌کاری حداقل از ابتدای قرن بیستم تاکنون، ویژگی برجسته و غالب در عرصه حسابداری و گزارشگری مالی بوده‌است. تعاریف چندی از محافظه‌کاری در ادبیات رشته حسابداری به

افزایش تغییر حسابرسان در

شرکت‌ها می‌تواند به توانایی

حسابرسان در ایفای وظیفه مهم

اعتباربخشی صدمه وارد کند.

در حسابداری، محافظه کاری از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

تغییر اجباری حسابرسان برای شرکت به عنوان راهی برای بهبود کیفیت حسابرسی از طریق حفظ استقلال می‌باشد. اما حرفه حسابداری شدیداً بر علیه این موضع مقاومت کرده و دلیل اصلی آن هزینه‌های بالای تغییر حسابرسان است (سینت ۱۳، ۲۰۰۴).

تغییر حسابرسان، هم برای صاحبکار و هم برای حسابرسان، مستلزم تحمل هزینه‌هایی به شرح زیر است:

۱) هزینه‌هایی که صاحبکار متحمل می‌شود:

این هزینه‌ها خود به دو دسته، هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیر مستقیم، تقسیم می‌شوند. هزینه‌های مستقیم: هزینه‌هایی هستند که

عقیده قرار دارد که تغییر حسابرسان باعث کاهش استقلال حسابرسان و صاحبکار و در نتیجه بی‌اعتبار شدن صورت‌های مالی می‌شود. از سوی دیگر، مقامات قانونگذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرسان، اعتماد استفاده‌کنندگان به کلیه صورت‌های مالی و نه فقط صورت‌های مالی شرکت‌های تغییردهنده حسابرسان، را کاهش دهد (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). به عنوان نمونه، قانون ساربینز-اکسلی در ایالات متحده، به طور مستقیم ارائه خدمات غیرحسابرسی را به وسیله حسابرسان مستقل شرکت‌ها محدود کرده است. همچنین توانایی حسابرسان، موضوع مداخله مقامات قانونگذار بوده است (قانون ساربینز-اکسلی، ۲۰۰۲). با این نگرانی که رابطه بلندمدت میان شرکت و حسابرسان آن به استقلال حسابرسان صدمه وارد کرده و از کیفیت حسابرسانی می‌کاهد (لی، ۲۰۱۱). این یک نگرانی تازه نیست بیش از ۵۰ سال قبل، مانتز ۱۱ و شرف ۱۲ (۱۹۶۱) بیان کردند که بیشترین خطر برای استقلال حسابرسان، از بین رفتن بی‌طرفی واقعی حسابرسان به صورت تدریجی است و حسابرسان مسئول باید به طور مرتب به همکاران خود اهمیت و معنای عملیاتی استقلال را یادآوری کنند.

در ایران نیز کمیته فنی سازمان حسابرسان در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه کاری را به عنوان یکی از اجزای خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است، اما به جای واژه محافظه کاری از واژه احتیاط استفاده نموده است: در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، «احتیاط است کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود».

تغییر حسابرسان و محافظه کاری

حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی منتشرشده برای عموم، عملیات کارای بازار سرمایه را تسهیل می‌کند. اما افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری و حسابداری، امکان تضاد بین حسابرسان و صاحبکاران را افزایش می‌دهد و اغلب ممکن است به کشاندن شدن فرایند حسابرسانی به چانه زنی بین دو گروه یادشده بینجامد (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹).

با توجه به اینکه در زمینه حسابرسانی، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به نفع صاحبکاران است، در صورت وجود کشمکش بین حسابرسان و صاحبکار، مدیریت ممکن است از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرسان، وی را مجبور به پذیرش رویه‌های حسابداری مورد نظر خود کند. در صورتی که مدیریت در انجام این کار موفق نشود، با اعمال قدرت خود می‌تواند حسابرسان را برکنار کرده و حسابرسان انعطاف‌پذیرتری را جستجو کند (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). از این رو، انتقادهایی وجود دارد مبنی بر اینکه افزایش تغییر حسابرسان در سال‌های اخیر، به توانایی حسابرسان در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت‌های مالی صدمه می‌زند (کناپ ۹ و الیکا ۱۰، ۱۹۸۶). این انتقادهای بر اساس این



بیشترین خطر برای استقلال

حسابرسان، از بین رفتن بی‌طرفی

واقعی حسابرسان به صورت

تدریجی است و حسابرس مسئول باید

به طور مرتب به همکاران خود، اهمیت و

معنای عملیاتی استقلال را یادآوری کند.

انتساب ریسک بالا، ناشی از افشا نکردن دلایل تغییر حسابرس از سوی شرکت است. بنابراین، استفاده‌کنندگان، فرض می‌کنند که تغییر حسابرس الزاما با هدف مدیریت سود، حفظ جایگاه مدیریت یا پنهان کردن مشکلات شرکت انجام شده است. افزون بر این، نبود اطمینان راجع به عملکرد آینده حسابرس جانشین، هزینه تغییر را افزایش می‌دهد (دی ۱۸، ۱۹۹۱).

۲) هزینه‌هایی که حسابرس متحمل می‌شود:

حسابرس قبلی، نه تنها حق‌الزحمه دریافتی از صاحبکار قبلی را از دست می‌دهد بلکه هزینه‌هایی را نیز در ارتباط با جذب صاحبکاران جدید و تعیین مجدد مسئولیت تیم حسابرسی متحمل می‌شود. بنابراین به نظر ویسنانت (۲۰۰۳) تغییر حسابرس تنها زمانی محتمل است که منافع حاصل از تغییر، از هزینه‌های تحمل شده توسط صاحبکار یا حسابرس قبلی بیشتر باشد.

درحالی‌که می‌توان دلایل زیادی برای

صاحبکار برای کمک به حسابرس برای درک عملیات، صنعت و محیط او متحمل می‌شود زیرا ناآشنایی با محیط صاحبکار منجر به عدم موفقیت حسابرسی می‌شود (ویلیامز ۱۴، ۱۹۹۸). به بیان دیگر، هزینه‌های مستقیم، زمانی است که کارکنان و مدیریت برای آشنایی حسابرس جانشین با سیستم کنترل داخلی، سیستم‌های حسابداری و سایر رویه‌های خاص شرکت، صرف می‌کنند (ویسنانت ۱۵، ۲۰۰۳).

هزینه‌های غیرمستقیم: هزینه‌هایی هستند که از انتساب ریسک زیاد به صورت‌های مالی توسط استفاده‌کنندگان ناشی می‌شوند، استفاده‌کنندگانی که نسبت به تغییر حسابرس مشکوک هستند و بر این باور هستند که صاحبکار برای دستکاری سود دنبال حسابرس سازگارتر و انعطاف‌پذیرتر بوده است (فرآید ۱۶ و شیف ۱۷، ۱۹۸۱).

تغییر حسابرس از جمله؛ کاهش هزینه حسابرسی یا کاهش حق‌الزحمه حسابرس، ضعف کنترل‌های داخلی، برقرار نبودن فرض تداوم فعالیت، ارائه مجدد صورت‌های مالی، عدم توافق در مورد اصول حسابداری، اتکا نکردن به مدیریت، اظهارنظر مشروط، افزایش دامنه حسابرسی، تغییرات مدیریت، اقدامات غیرقانونی، محدودیت منابع، ورشکستگی، ادغام صاحبکاران، ادغام موسسه‌های حسابرسی و رشد شرکت بیان کرد، اما بیشتر سرمایه‌گذاران همان دو مورد اول را در نظر می‌گیرند که شاید این مسئله منجر به این مورد شود که شرکت‌ها با دیدی محافظه‌کارانه به تغییر حسابرس نگاه کنند (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹).

اگرچه قانون ساربینز اکسلی، تغییر حسابرس را اجباری نمی‌داند بخش ۲۰۷ این قانون، دیوان محاسبات ایالات متحده را ملزم می‌کند که اثرات بالقوه تغییر اجباری حسابرس در موسسات حسابداری دولتی را مورد مطالعه قرار دهد. دیوان محاسبات ایالات متحده پس از انجام مطالعه نتیجه می‌گیرد که تغییر اجباری حسابرس ممکن است که با توجه به هزینه‌های اضافی مالی و از دست دادن دانش قبلی حسابرسان از شرکت دولتی، مؤثرترین شیوه برای بهبود استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی نباشد (دیوان محاسبات ایالات متحده، ۲۰۰۳). ولی به هر حال اداره پاسخگویی پیشنهاد می‌کند که اگر الزامات قانون ساربینز اکسلی نتواند کیفیت حسابرسی را تغییر دهد ممکن است تغییر اجباری حسابرس الزامی باشد (لی، ۲۰۱۰).

تنظیم‌کنندگان مقررات حسابداری همچنین در مورد خطر بالقوه رابطه بلندمدت حسابرس - صاحبکار بر روی استقلال حسابرس نگران هستند. که منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود، جنکینس ۱۹ و ولوری ۲۰ (۲۰۰۸) به رابطه مثبت بین محافظه‌کاری در سود گزارش





شده و مدت زمان رابطه بین حسابرس و صاحبکار دست یافتند. لی (۲۰۱۰) مطالعه جنسن و ولیوری را گسترش داد و نشان داد که رابطه بین محافظه‌کاری و توانایی حسابرس برای همه شرکت‌ها یکسان نیست. لی (۲۰۱۰) نشان داد که این رابطه تنها برای شرکت‌های بزرگ یا شرکت‌هایی صحیح است که به طور شدیدی تحت نظارت حسابرسان خود هستند می‌باشد و برای شرکت‌های کوچکتر یا شرکت‌هایی که تحت نظارت ضعیف حسابرس هستند این رابطه به طور با اهمیتی منفی است. به طور کلی، یافته‌های لی (۲۰۱۰) نشان داد که اهمیت صاحبکار در رابطه بین صاحبکار-حسابرس نقش با اهمیتی بازی می‌کند. به عنوان نمونه، رابطه نزدیک مشتری-حسابرس، که ناشی از ارتباطات بلندمدت بین آن‌ها، می‌تواند استقلال حسابرس را فقط برای موسسات کوچک و نه موسسات بزرگ به خطر بیندازد. منطق پشتوانه این نظریه، این است که حسابرس به دلیل نگرانی از ریسک دعوای حقوقی و همچنین اهمیت صاحبکاران بزرگ خیلی محافظه‌کارانه‌تر برای آن‌ها گزارش صادر می‌کند (واتس و زیمرمن ۲۱، ۱۹۸۶؛ رینولدس ۲۲ و فرانسیس ۲۳، ۲۰۰۳).

علاوه بر آن هنگامی که رابطه بین حسابرس و صاحبکار طولانی می‌شود، افزایش نظارت از سوی دیگر شرکت‌کنندگان بازار (به عنوان نمونه: تحلیلگران، سرمایه‌گذاران نهادی) احتمال دارد که استقلال حسابرس را برای گزارشگری محافظه‌کارانه بهبود بخشد که این منجر به کاهش ریسک دعوای

این تصور وجود دارد که شرکت‌ها به منظور دریافت اظهارنظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از افشای تقلب، اقدامات غیرقانونی و ضعف عملکرد مدیریت، اقدام به تغییر حسابرس خود می‌کنند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

محافظه‌کاری، از اصول محدودکننده حسابداری، سال‌هاست که مورد استفاده حسابداران قرار می‌گیرد و به رغم انتقادهای فراوان بر آن همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده است. به طوری که می‌توان دوام و بقای آن را در مقابل انتقادهای وارده بر آن در طول سالیان طولانی گواهی بر مبنای بنیادین این اصل دانست. همچنین می‌توان از محافظه‌کاری به عنوان سازوکاری نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تامین‌کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود. از طرف دیگر، به رغم تصور کلی مبنی بر این که شرکت‌ها الزاماً به منظور دریافت اظهارنظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از افشای تقلب، اقدامات غیر قانونی و ضعف عملکرد مدیریت، اقدام به تغییر حسابرس خود می‌کنند. مطالب مطرح شده در این مقاله نشان می‌دهد که گاهی

حقوقی می‌شود. همچنین تغییر مکرر حسابرس منجر به هزینه‌های ناخواسته بیشتر در مقایسه با صاحبکاران کوچک می‌شود (لی، ۲۰۱۰). بولین و همکاران ۲۴ (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که شرکت‌های با هزینه بالای تغییر حسابرس احتمال بیشتری دارد که با حسابرسان قبلی همکاری خود را ادامه دهند.

بررسی رابطه محافظه‌کاری با حسابرسی حاکی از وجود رابطه منفی بین حق‌الزحمه‌های حسابرسی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. با توجه به دعوای حقوقی علیه موسسه حسابرسی آرتور اندرسون، بررسی درجه محافظه‌کاری در گزارشگری مالی صاحبکاران موسسه حسابرسی آرتور اندرسون نشان می‌دهد که محافظه‌کاری در میان صاحبکاران موسسه حسابرسی آرتور اندرسون کمتر از سایر شرکت‌هاست.

مورد خطر بالقوه رابطه بلندمدت حسابرس- صاحبکار بر روی استقلال حسابرس نگران هستند. که منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می شود، از طرف دیگر، ارتباط تغییر حسابرس و محافظه کاری را نیز بررسی می کند.

اوقات شرکت ها برای بهبود عملکرد خود، حسابرسان خود را تغییر می دهند. این پژوهش نشان می دهد که تغییر مکرر حسابرس هزینه هایی را بر شرکت تحمیل می کند، همچنین، تنظیم کنندگان مقررات حسابداری در

منابع و ماخذ

منابع داخلی:

مهدوی، غلامحسین و شهلا ابراهیمی، تغییر حسابرس: چراغ قرمز یا سبز، حسابرس، شماره ۴۹، ۱۳۸۵.

منابع خارجی:

- Basu, S., The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings, Journal of Accounting and Economics, 24 (1), 1997.
- Blouin, J., Grein, B.M., Rountre, B.R., An analysis of forced auditor change: the case of former Arthur Andersen clients, The Accounting Review, 82 (3), 2007.
- Dye, R. A, Informationally Motivated Auditor Replacement, Journal of Accounting and Economics, 14 (4), 1991.
- Feltham, G. and Ohlson, J, Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities, Contemporary Accounting Research, 11, 1995.
- Fried, D. and A., Schiff, CPA Switches and Associated Market Reactions, The Accounting Review, LVI (2), 1981.
- Jenkins, D., Velury, U., Does auditor tenure impact the reporting of conservative earnings, Journal of Accounting and Public Policy, 27 (2), 2008.
- Kenap, S.E., Elik, E.G., Auditor rotation and the appearance of independence: evidence from non-professional investors, Journal of Accounting and Public Policy, 27 (2), 1986.

- Whisenant, J. S., Evidence on the Auditor and Client Relationship: What can be Learned from Reasons Reported by Managers for Changing Auditors?, <http://www.socialscience.research.network.com>, 2003.
- Williams, J, Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions, Journal of Accounting and Economics, 30 (3), 1998.
- Wolk, R.L., Elliott, J., Tarpley, R., Conservatism in accounting Part1: explanations and implications, Accounting Horizons, 17 (4), 2001.

پی نوشت ها

- 1 Watts
- 2 Li
- 3 Smith
- 4 Skousen
- 5 Basu
- 6 Wolk et al.
- 7 Feltham
- 8 Ohlson
- 9 Kenap
- 10 Elik
- 11 Mautz
- 12 Sharaf
- 13 Sinnett
- 14 williams
- 15 Whisenant
- 16 fried
- 17 schiff
- 18 day
- 19 Jenkins
- 20 Velury
- 21 Zimmerman
- 22 Reynolds
- 23 Francis
- 24 Blouin et al.

- Li, Dan, Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence, J. Account. Public Policy, 29, 2010
- Li, Dan, Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts, Contemporary Accounting Research 26 (2), 2011.
- Mautz, R., Sharaf, H., The Philosophy of Auditing, Monograph No.6. American Accounting Association, 1961.
- Reynolds, J., Francis, J., Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions, Journal of Accounting and Economics, 30 (3), 2001.
- Sinnett, E., Accrual reliability, earnings persistence and stock prices, Journal of Accounting and Economics, 39 (3), 2004.
- Smith, J. M. Jr., and F. K. Skousen, Intermediate Accounting, 9th Edition, South-Western Publishing, Cincinnati, Ohio, 1987.
- US Congress, The Sarbanes-Oxley Act of 2002, 107th Congress of the United States of America, H.R. 3763, Government Printing Office, Washington, DC, 2002.
- US General Accounting Office (GAO), Public Accounting Firms: Required Study on the Potential Effects of Mandatory Audit Firm Rotation, Government printing office, Washington, DC, 2003.
- Watts, R.L., Conservatism in accounting Part1: explanations and implications, Accounting Horizons, 17 (3), 2002.
- Watts, R.L., Zimmerman, J.L., Positive Accounting Theory, Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ (Chapter 8), 1986.